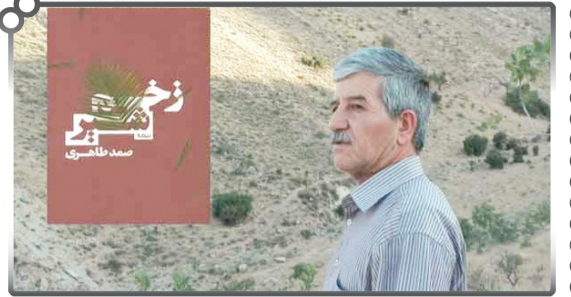


خبر ادبی

نظر برنده جایزه «امد محمود» درباره برنده جایزه نوبل



به گزارش خبر آنلاین و به نقل از ایسنا نویسنده «زخم شیر»، برگزیده بخش مجموعه داستان جایزه «احمد محمود» درباره این که چرا ادبیات ما جهانی نشده و به قول خودش جایزه‌های جهانی کاری به کار ما ندارند، اظهار کرد: عوامل بسیاری در این موضوع دخیل هستند. یکی از دلایل این موضوع به خاطر این است که ما زبان بستانه داریم. شاید ۱۲۰ میلیون نفر در دنیا بتوانند زبان ما را بخوانند و بنویسند، اما سه تا چهار میلیارد نفر به زبان انگلیسی می‌توانند حرف بزنند. دیگر این که دولت‌ها تا چه حد از کارها دفاع می‌کنند. ترکیه نیز مانند ما زبان بستانه دارد، اما در سفارتخانه‌های خود در کشورهای دیگر اعلام کرده است هر مترجمی یکی از آثار این کشور را ترجمه کند مبلغ قابل توجهی به او می‌پردازند. این عامل مشوق بسیار خوبی است، حتی اگر کتاب مطرح نشود، فروش نرود و سود نداشته باشد، مبلغی که دولت ترکیه پرداخت می‌کند، مبلغ خوبی است. در کشور ما چنین چیزی وجود ندارد. او در ادامه افزود: تا جایی که با چنین ترندهایی نویسندگان خود را در جهان مطرح کرده‌اند، حتی برخی به نوبل هم رسیدند. اورهان پاموک و برخی دیگر از نویسندگان ترک در کشورهای مختلف مطرح شده‌اند. تا جایی که من دیده‌ام نویسندگان خیلی تاپ آن‌چنانی هم نیستند که این قدر آن‌ها را حواحوحا می‌کنند. طاهری همچنین درباره تأثیر جایزه‌های ادبی بر وضعیت ادبیات داستانی‌مان اظهار کرد: بزرگ‌ترین حسن جایزه‌ها این است که کتاب‌ها را به مخاطبان معرفی می‌کنند. در سال ممکن است چند هزار جلد کتاب منتشر شود؛ طبعاً کسی نمی‌تواند همه این‌ها را بخواند و بنابراین ناچار به گزینش است. جایزه ادبی این گزینش را برای کتاب‌خوان‌ها انجام می‌دهد زیرا کسانی به عنوان داور این کتاب‌ها را خوانده و انتخاب کرده‌اند.



مراسم تجلیل از «اسلامی ندوشن» برپا شد

ششمین شب فرهنگی یزد با تجلیل از اندیشه‌های ایران‌شناسانه دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن با عنوان «ایران را از یاد نبریم» برگزار و از آخرین اثر این اندیشمند رونمایی شد.

به گزارش ایسنا، در این مراسم که در سالن همایش‌های هلال احمر یزد برگزار شد دکتر اصغر دادبه با اشاره به خاطراتی از دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن و نحوه آشنایی خود با این نویسنده اظهار کرد: این نویسنده و ادیب بزرگ علاوه بر توجه بسیار زیادی که به فرهنگ و انسانیت داشت، به هویت‌سازی در آثار خود توجه کرده است. او با اشاره به اهمیت حفظ هویت افراد، تصریح کرد: موضوع مهم و قابل توجه این نویسنده در آثار و فعالیت‌هایش، اهتمام به موضوعات انسانیت و ایرانی بودن بوده؛ به طوری که اعتقاد دارد انسانیت تمام وجود او و ایرانی بودن بخشی از وجودش را تشکیل می‌دهد. این استاد ادبیات با تأکید بر این که همگان باید موجب سازندگی وطن شوند، گفت: برخی افراد در دیگر کشورها به انسان‌های بزرگی تبدیل می‌شوند و کارهای بزرگی نیز انجام می‌دهند اما همیشه جنس درجه دوم محسوب می‌شوند چرا که با کشورشان بیگانه هستند و تعلق به کشورشان ندارند. کامیار عابدی نیز در این مراسم با بیان این که آثار اسلامی ندوشن به دو دسته کلی ادبی و فرهنگی تقسیم می‌شوند، گفت: آثار ادبی این نویسنده شامل مقالات و کتاب‌ها و داستان‌های این نویسنده تواناست و در آثار فرهنگی او اجتماع و انسان، محورهای اصلی هستند. این منتقد ادبی افزود: این نویسنده فرهیخته ایرانی دیوان حافظ و شاهنامه فردوسی را بسیار مورد عنایت و الگوی خود قرار داده به طوری که این دو اثر بر نگاهش و ترسیم هویت آشکار و پنهان او تأثیر داشته است.

نغمه

در کوچه دیشب یک نفر تنبور می‌زد

«موسی عممتی»

در کوچه دیشب یک نفر تنبور می‌زد می‌رفت اما تا سحر تنبور می‌زد آوازهای سرزمین مادری را در کوچه‌های در به در تنبور می‌زد شمسی که از نی نامه‌های بلخ می‌خواند در قونیه آسیمه سر تنبور می‌زد اشکی که از پامیر جاری شد به این دشت چون رود، در حال سفر تنبور می‌زد باران گرفت و... بوی نم برخواست از خاک وقتی که او دیوانه‌تر تنبور می‌زد باران گرفت و... یادش آمد روزگاری در بلخ احساسش پدر تنبور می‌زد اما زمین چرخید و او این گوشه افتاد حالا غریبانه پسر تنبور می‌زد حالا زمین یک ساز ناکوک است اینجا باید که با لحنی دگر تنبور می‌زد در لحظه‌ها ما بی حضور ابری او باران نمی‌آمد مگر تنبور می‌زد از قندهار روزگاران غزل بود مردی که چون شهید و شکر تنبور می‌زد دیری است بوی نم نمی‌خیزد از این خاک ای کاش یک کم بیشتر تنبور می‌زد

منبع: تسنیم

بچه پرروی محل



«مهدی طوسی»

باید برای اینکه توی محل مان به یک آدم پر رو معروف و مشهور نشوم کاری بکنم کارستان. باید جوری عمل بکنم که پرو بازی ام خیلی به چشم نیاید. باید جوری رفتار بکنم که اگر می‌خواهم پررو بازی در بیآورم به غیر از خودم کس دیگری متوجه نشود. باید جوری عمل بکنم که هم خودم و هم بقیه به ماجرای پررو بازی ام دقت نکنند. خودم به این خاطر نباید دقت کنم که اگر بخوام با دقت پررو بازی در بیآورم اعتماد به نفسم را از دست خواهم داد و همین مسئله باعث می‌شود که نتوانم همچین تمیز و مشتی پررو بازی در بیآورم و بقیه هم اگر بفهمند که من دارم پررو بازی در می‌آورم باعث می‌شود که بیشتر از قبل به بچه پرروی محل معروف و مشهور بشوم که این اصلاً برای آینده ام خوب نیست. بالاخره من بزرگ می‌شوم و اگر در درس و تحصیل موفق نشوم باید با همین بچه‌های محل کار اقتصادی بکنم و اگر آنها نظرشان در مورد من بچه پررو باشد باعث می‌شود که نتوانیم با هم کار بکنیم و من در کار و شغل آینده ام با شکست مواجه می‌شوم و آنها پیشرفت خواهند کرد!

البته من فکر می‌کنم که آنها زیاد از حد دارند من را بچه پررو خطاب می‌کنند. آنها زیاد از حد دارند روی من در این زمینه حساب باز می‌کنند و این در حالی است که من در بسیاری از زمینه‌ها بچه کم رو و خجالتی هستم و همین مسئله باعث می‌شود که نتوانم خیلی از کارها را انجام بدهم و نیز باعث می‌شود که من نتوانم آنقدری که آنها تصور می‌کنند پررو باشم!

علی‌کجایی؟ زود باش بچه‌ها منتظرند ما... اگر دیر بیایی از یک بار دیگه استفاده می‌کنیم. پنجره را باز کردم و رضا را دیدم که سرش را بالا گرفته و از توی کوچه داد می‌زند تا من را برای بازی والیبال یا توپ پلاستیکی تشویق بکند.

آدم... یک لحظه وایستا تا با هم بریم. سریع گرم کنیم را تنم کردم و آمدم پایین و آنقدر هیجان بازی والیبال تمام وجودم را فرا گرفته بود که یادم رفت به او سلام و احوالپرسی کنم...

کجا علی چه خبره...! من وایستادم که با هم بریم تو داری می‌دوی؟

برگشتم و به او با تعجب نگاه کردم و تازه یادم آمد که من رضا را دو سه روزی می‌شود که ندیدم و باید با او سلام و علیک کنم. تازه توی دستش دو تا ساندویچ بود که لابد یکی را از روی میل و علاقه برای من درست کرده بود!

بخشید که من متوجه نشدم و چاق سلامتی نکردم...!

رضا سرش را پایین انداخت و به من که رسید جواب سلام را داد.

دمت گرم که به فکر رفیقیت بودی و یک ساندویچ هم برای من درست کردی!

باز پروبازی در آوری؟! اصلاً هم مال تو نیست. این ساندویچ را مادرم درست کرده که ببرم برای داداش علی که ظهر ناهار خونه نیامده! از خجالت سرخ شدم و چیزی نگفتم. با خودم فکر کردم که این درخواست من کجاش پررو بازی است که بچه‌ها همه رفتارهای من را به این صفت پیوند می‌دهند؟! خیل خب بابا حالا زیاد توی خودت فرو نرو بیا نصف از ساندویچ من را بگیر!

نه دستت درد نکنه، تازه عصرانه خوردم.

یک معلم ادبیات فارسی:

ادبیات به یک چیز ماشینی تبدیل شده است



یک معلم ادبیات فارسی می‌گوید: کنکسور و تستی شدن کلاس‌ها به همه درس‌ها از جمله ادبیات ضربه زده و دانش‌آموز از رسالت درس خارج شده است و به عمق کار توجهی نمی‌کند. دانش‌آموز دائم در استرس تست زدن است و متأسفانه هنر ادبیات فراموش و به یک چیز صنعتی و ماشینی تبدیل شده است.

صمد نعمانی، معلم و ویراستار کتاب ادبیات فارسی، در گفت‌وگو با ایسنا درباره عوامل موثر در اشتیاق دانش‌آموزان به درس ادبیات، اظهار کرد: یکی از نارسایی‌های کار مولفان کتاب درسی یکسان بودن کتاب ادبیات فارسی برای همه رشته‌های درسی متوسطه است. نظام آموزشی رشته‌ها را تغییر داده، اما متأسفانه

کتاب درسی ادبیات فارسی برای همه رشته‌ها یکسان است و این یک نقص است. چون دانش‌آموز علوم انسانی می‌بیند درس ادبیاتی را که می‌خواند مشابه رشته‌های ریاضی و تجربی است، برای همین سطح بیان و تدریس در رشته علوم انسانی پایین می‌آید، و وقتی این خیلی کار کشته نیستند.

بروجردی:

دیجیتال سازی بیش از ۴۰ هزار جلد کتاب در سازمان

اسناد و کتابخانه ملی

رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران گفت: بیش از ۴۰ هزار جلد کتاب خطی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران وجود دارد که همه آن‌ها دیجیتالیزه شده و در اختیار عموم قرار دارد. به گزارش فارس، تقاض نامه همکاری بین سازمان اسناد و کتابخانه ملی و دانشگاه مذاهب اسلامی با حضور اشرف بروجردی و حجت الاسلام محمدحسین مختاری به امضا رسید. اشرف بروجردی، رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در این دیدار گفت: یکی از دغدغه‌هایی که در این سازمان وجود داشته نیاز

به ارتباط با دانشگاه‌ها برای توجه به وجه علمی و پژوهشی این مجموعه بوده است. او با بیان اینکه تمرکز پژوهش در این مجموعه بر اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی است افزود: با توجه به وجود اندیشه‌گاه فرهنگی که مکانی برای حضور صاحب نظران با رویکردهای مختلف است می‌توانیم در تعامل با دانشگاه مذاهب برنامه‌هایی را تدوین کنیم. مشاور رییس جمهوری اظهار کرد: با توجه به سند چشم‌انداز که ایران باید به لحاظ علمی، رتبه ۲ منطقه را به دست آورد، این تعاملات و ارتباطات معنا پیدا می‌کند.

عرضه «سه پرتقال طلایی» توسط یک ناشر گرگانی

داستان «سه پرتقال طلایی» اثر یک نویسنده کوبایی-آمریکایی به همت انتشارات نوروزی و با حمایت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان در شهرستان گرگان منتشر شد. به گزارش ایسنا در استان گلستان، این کتاب ویژه گروه سنی کودکان به قلم «آلما فلور آدا» و ترجمه «زلیخا اهری فرد» از مترجمان اهل گرگان است که در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه روانه بازار شده است. قصه «سه پرتقال طلایی» یک افسانه قدیمی است که «آلما فلور آدا» با نثری روان و خواندنی آن را بازنویسی کرده و ماجرای سه برادر است که برای برآورده کردن آرزوی مادرشان مسیرهای مختلفی را انتخاب می‌کنند.

در آغاز این داستان آمده است: غروب بود. نور طلایی خورشید بر روی خانه ساده سفید کاری شده می‌تابید. سه برادر، سانتیاگو، توماس و ماتیاس از کشتزار به خانه بر می‌گشتند. دو برادر بزرگتر باری به دوش نداشتند و چایک و در حال گفتگو جلو می‌رفتند و در پشت سر آن‌ها برادر کوچکشان، ماتیاس دسته‌های گندم درو شده را بر دوش داشت و عرق ریزان راه می‌رفت. آن روز وقتی برادرها به خانه رسیدند مادر آن‌ها سارا، گفت: بنشینید و کمی استراحت کنید، می‌خواهم با شما حرف بزنم.

یادآوری می‌شود، «آلما فلور آدا» پرفروش‌ترین‌ترین‌ترین دانشگاه سن فرانسیسکو است که کتاب‌های بسیاری برای کودکان در قالب شعر، داستان، ادبیات عامیانه نوشته و جایزه‌های بسیاری دریافت کرده است. وی در سال ۲۰۱۲ جایزه «وبرجینیا همیلتون» را به خاطر کل آثارش برای کودکان دریافت کرد.

زنگ ادبیات

دیدار تعدادی از شاعران با استاد دانشگاه سوربن پاریس



شاعران ایرانی با زینب الأعوچ در سالن سلمان هراتی حوزه هنری دیدار و گفتگو کردند.

به گزارش شبستان، الجزایر یکی از کشورهای عربی است که انقلاب بزرگی در آن به وقوع پیوست و بسیاری از شاعران و نویسندگان این کشور از جمله مفدی زکریا، محمد دیب، صدیق سعیدی، طاهر جلاوت، ابن شاهد و محمد العید به مقوله انقلاب و مقاومت پرداختند.

حوزه هنری برنامه گفتگو و دیدار شاعران ایرانی با یکی از شاعران الجزایری با نام «زینب الأعوچ» را در سالن سلمان هراتی ترتیب داد. زینب الأعوچ شاعره الجزایری است که از دانشگاه دمشق دکترای ادبیات عرب گرفته است. این شاعر کتاب‌هایی همچون «مرثیه ای برای خواننده بغداد» و «وبرانه روح» را نوشته است.

زینب الأعوچ، همسر «واسینی الأعرج»، رمان‌نویس مشهور الجزایری است. واسینی الأعرج که در سال ۱۹۵۴ بدینا آمده است، استاد سینما و ادبیات در دانشگاه سوربن پاریس و دانشگاه الجزایر است.



برای محمدکاظم کاظمی، شاعری که تاجر نیست

به گزارش پویا، دهه آخر دهه‌ها، با سالروز تولد محمدکاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر گره خورده است. کاظمی که از مهاجران فارسی‌زبان در کشور است، در سال‌های اخیر سهم قابل توجه و غیر قابل انکاری در پیوند میان فارسی‌زبانان و اعتلای فرهنگ کشورهای فارسی‌زبان داشته است مرتضی امیری اسفندقه، شاعر و محقق، در یادداشتی شفاهی، کاظمی را شاعری می‌داند که هیچ‌گاه تاجر نبوده است:

همه روزها، روزهای عزیز و ارجمندی هستند اما روز تولد شاعر، روز تولد معلم، روز تولد آموزگار، روز تولد قلم است و بهترین روزهاست روزی که قلم متولد می‌شود؛ به ویژه اینکه آن قلم در دست دوست قرار بگیرد. دوست محمدکاظم کاظمی - اصرار دارم که با همین شکل و شیوه خطاب کنم - شاعری است، آموزگاری است، معلمی است بسیار تلاشگر، بسیار دقیق، بسیار قانع و آشنا با عمق ادبیات پارسی. قانع را از حیث مطامع دنیوی عرض کردم. او در راستای تفهیم، تحصیل و تدریس ادبیات پارسی مطامع دنیایی نداشته اما از حیث فهم زبان پارسی هیچ‌وقت قانع به یک کتاب و دو کتاب نبوده است. او دوست داشته که تا عمق این ماجرا حرکت کند و غواصی باشد که در عمق آب‌ها فرو رود و برای مخاطب گوهر بیرون بیاورد. او در حوزه مسائل معنوی اصلاً قانع نبوده است.

محمدکاظمی ناشر ادبیات است نه تاجر ادبیات. شاعری است که لحن و لهجه او به نزدیکی فهم مخاطب از شعر بسیار کمک کرده است. او هیچ‌گاه نخواسته که لحن و لهجه اصیل پارسی را عوض کرده و به سمت غرب ببرد یا به سمت عرب بکشانند، او پارسی را پاس داشته؛ به همان سیاق و سبکی که در خراسان بزرگ آموخته است. محمدکاظمی کاظمی شاعری است اهل خراسان بزرگ، آشنا با شعر خراسان بزرگ و منظور ما از خراسان، سرزمینی است که خورشید از آن آسان برمی‌آید.